

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۹

هزار و سیصد و نود - نیمسال اول

مقالات

- داوری‌های مختلط در قواعد جدید داوری اتاق بین‌المللی بازرگانی
 - مفهوم طلاق و موجبات آن در حقوق ایران و انگلیس
 - فواید جبران خسارات هسته‌ای بر مبنای کنوانسیون‌های بین‌المللی
 - حمایت از طب سنتی با تمسک به آیات قرآنی و مبانی فقهی
 - تزامن و توازن حقوق فرد و جامعه در دادرسی‌های کیفری
 - مفهوم نمایندگی در مجلس اول
- موضوع ویژه: یکصد و پنج سال تجربه قانون‌گذاری در ایران در بوته نقد
- نظارت مراجع صیانت از قانون اساسی بر تضمین اصل شفافیت قوانین
 - چالش‌های قانون‌گرایی: اعتبار و پایایی قانون
 - نسبت میان حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در نظام حقوقی مشروطه
 - جایگاه تشبیه در تدوین قوانین
 - جستاری بر مبانی نظری تقنین آزمایشی
 - رویکرد قانون‌گذاری به قراردادهای الکترونیکی
 - سنجش قدرت قوانین ثبت اختراع ایران با تأکید بر قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶
- ## نقد و معرفی
- در نام‌گذاری حقوق جنائی
 - تحقق رؤیای نظارت قضائی بر قطعنامه‌های شورای امنیت: تأملی بر رأی دیوان دادگستری اروپا در قضیه «فولمن» و «محمودیان»





فواید جبران خسارات هسته‌ای بر مبنای کنوانسیون‌های بین‌المللی

دکتر علیرضا یزدانیان* - هدیه حبیبیان**

چکیده: امروزه فناوری هسته‌ای مانند پیشرفت صنعت و تکنولوژی از جمله عوامل مؤثر در تکامل حقوق مسئولیت مدنی محسوب می‌گردند. بدین نحو که وقوع حوادث هسته‌ای و وجود خطر بالقوه به کارگیری مواد پرتوزا، دولت‌ها و مجامع بین‌المللی را به سمت تدارک تمهیداتی جهت پیشگیری از حدوث این فجایع و تدوین قواعد و مقرراتی برای جبران خسارات حاصل از آنها، سوق داده است که نتیجه این امر شکل‌گیری کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای می‌باشد. کنوانسیون‌های مزبور از یک‌سو با معرفی اصولی نظیر اصل مسئولیت محض و اصل کانالیزه نمودن مسئولیت به سمت بهره‌بردار، امر شناسایی و تعقیب خوانده دعوی جبران خسارت هسته‌ای را تسهیل نموده‌اند و از سوی دیگر با ایجاد تفکیک میان خسارات جسمی ناشی از حوادث هسته‌ای و سایر اقسام خسارات، مرور زمان‌های ۳۰ و ۱۰ ساله را برای دعوی مطالبه غرامت پیش‌بینی نموده‌اند. به موازات مقررات یاد شده، تدوین‌کنندگان کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای با تعیین اصل صلاحیت انحصاری دادگاه محل وقوع حادثه اتمی و اعمال قاعده وحدت صلاحیت و نیز معرفی قانون دادگاه صالح به عنوان قانون حاکم بر دعوی جبران خسارت هسته‌ای، نقش قابل توجهی در تسریع روند دادرسی این قسم دعوی ایفا کرده‌اند. با توجه به فقدان مقررات جامع در این زمینه و با مطالعه تطبیقی کنوانسیون‌های موجود و مقررات داخلی برخی از کشورها و ذکر

تسهیلات موجود در این مقررات، می‌توان انتظار داشت قانونی جامع در این زمینه تصویب گردد.

کلیدواژه‌ها: جبران خسارت هسته‌ای، بهره‌بردار تأسیسات اتمی، مرور زمان، اصل صلاحیت انحصاری، قانون حاکم

مقدمه

امروزه فناوری هسته‌ای و به کارگیری تجهیزات پرتوساز از جمله ابزار مسلم برای پیشرفت جوامع بشری محسوب می‌گردند. استفاده برنامه‌ریزی شده از انرژی هسته‌ای در قالب کاربردهای صنعتی، پزشکی و تحقیقاتی مبین همین مطلب است. در عین حال وجود چنین فوایدی نباید ما را از آسیب‌های بالقوه پرتوهای یونیزان غافل نماید.^۱ زیرا عدم کنترل و توجه در خصوص ایمنی لازم در به کارگیری انرژی هسته‌ای منجر به وقوع حوادثی می‌گردد که خسارات حاصل از آنها محدود به قلمرو مکانی و محدوده زمانی خاصی نخواهد بود.^۲

وقوع حادثه اتمی، بروز زیان‌های مادی و معنوی و وجود رابطه سببیت میان آنها، ارکان سه‌گانه مسئولیت مدنی هسته‌ای می‌باشند که در صورت اجتماع آنها، قربانی به عنوان متعهدله و مسؤول حادثه به عنوان متعهد به جبران خسارات وارده، محسوب می‌گردند. از لحاظ نظری زیان‌دیده و مسؤول حادثه اتمی مخیر هستند که در خصوص حدود تعهد به جبران خسارت، با یکدیگر توافق نمایند. چنانکه قانون کشور اوکراین مقرر می‌دارد: «خسارت اتمی ممکن است توسط بهره‌بردار بر اساس شروط مندرج در موافقت‌نامه جبران خسارت اتمی که به وسیله بهره‌بردار میان وی و قربانی با مشارکت بیمه‌گر یا سایر ضامنان مالی منعقد شده است، جبران شود، مشروط بر اینکه توافقت‌نامه مزبور حقوق قربانیان یا اشخاص دیگر را نقض نکند».^۳ در حقوق ایران نیز چنین توافقی با لحاظ اصول کلی حقوق حقوق و مواد قانونی (ذیل ماده ۳۸۶ قانون تجارت) و دکترین حقوقی^۴ به نظر صحیح می‌رسد. لیکن تجربه ثابت نموده است که در اکثر موارد به دلیل فقدان چنین توافقی،

1. http://fr.wikipedia.org/wiki/Accident_nucl%C3%A9aire

2. <http://parlement-ue2008.fr/rap/105-327/105-3270.html>: L'accident de Tchernobyl a montré que la question de la responsabilité civile en matière de dommages nucléaires présentait une évidente dimension internationale, compte tenu des effets transfrontières d'éventuels rejets radioactifs.

3. Law on Civil Liability for Nuclear Damage and its Financial Security (2001) Article 5(2): "Nuclear damage may be compensated by an operator under the terms of an agreement on compensation for nuclear damage concluded by the operator between him and the victim with the participation of the insurer (or other financial guarantor)."

۴. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی. الزام‌های خارج از قرارداد، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۸۰

دادگاه صالح در خصوص شکل، میزان و کیفیت تدارک زیان‌های وارده اتخاذ تصمیم می‌نماید که در حقوق ایران نیز ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی به همین امر اشاره نموده است. لذا متضرر باید در مقام مدعی در دادگاه صالح حاضر شده و ارکان مسئولیت مدنی را اثبات نماید. در چنین فرضی پرسش‌هایی در باب شناسایی خواننده دعوای جریان خسارت هسته‌ای، مدت زمان اقامه دعوا، دادگاه صالح و قانون حاکم بر این قسم دعوای، به ذهن متبادر می‌گردد. از این رو دولت‌ها در راستای ارائه پاسخ واحد به پرسش‌های مزبور به تدوین کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت اتمی، مبادرت ورزیده‌اند.^۵ در مواردی این مقررات در حقوق داخلی برخی از کشورها مانند فرانسه نیز وارد شده است.^۶

کنوانسیون‌های بین‌المللی ذیربط را می‌توان در دو گروه طبقه‌بندی نمود:

نخست، کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای که در سطح جهان تنظیم شده‌اند و عضویت در آنها برای کلیه دول آزاد است که عبارتند از:

۱- کنوانسیون وین در مورد مسئولیت مدنی برای خسارات اتمی که در سال ۱۹۶۳ توسط کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از امریکای مرکزی، امریکای جنوبی، آفریقا، آسیا و اروپای شرقی تدوین گردید و در سال ۱۹۹۷ مورد اصلاح و بازبینی واقع شد.^۷

۲- کنوانسیون جبران تکمیلی خسارت اتمی که با پیشنهاد ایالات متحد امریکا و با تلاش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۱۹۹۷ تنظیم شد و علی‌رغم اینکه هنوز لازم‌الاجرا نشده است لیکن می‌توان از آن به عنوان فصل جدیدی در حقوق مسئولیت اتمی یاد کرد.^۸

۳- پروتکل مشترک مربوط به اعمال کنوانسیون وین و کنوانسیون پاریس که در سال ۱۹۸۸ در نتیجه تلاش‌های مشترک آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آژانس انرژی اتمی اروپا به عنوان پل ارتباطی کنوانسیون‌های پاریس و وین تصویب و در سال ۱۹۹۲ لازم‌الاجرا شد.^۹

دوم، کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای که در سطح منطقه‌ای منعقد شده‌اند

5. Mazeaud, Henri & Leon Mazeaud & Jean Mazeaud, *Leçons de Droit Civil, Obligations*, T. 2, Monntchrestien, 1978, 6^e éd, p. 593.

6. Alex Weill & Francois Terré, *Droit Civil Les obligations*, Dalloz, 2^e éd, 1975, p. 648.

7. uilia A. Schwartz, "International Nuclear Third Party Liability Law: The Repponee to Chernobyl", *International Nuclear Law in the Post-Chernobyl Period*, 2006, p. 42.

8. Ben McRae, "The Convention Supplee ntary Copp enttt ion for Nuclear Daggg e: Catalys for a Global Nuclear Liability Regy,,, *Nuclear Law Bulletin*, 2007, No 79, p. 17.

۹. لیلا محقق منتظری، «مسئولیت مدنی خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای در معاهدات بین‌المللی و مقررات

و عضویت در آنها صرفاً برای دولت‌های عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه آزاد است و عضویت سایر دول منوط به رضایت کلیه کشورهای عضو کنوانسیون باشد^{۱۰} که عبارتند از:

۱- کنوانسیون پاریس راجع به مسئولیت شخص ثالث در زمینه انرژی اتمی که در سال ۱۹۶۰ به عنوان نخستین کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت اتمی توسط سازمان همکاری اقتصادی اروپا که اکنون به سازمان همکاری اقتصادی و توسعه تبدیل شده است، تدوین و تصویب گشت.^{۱۱}

۲- کنوانسیون تکمیلی بروکسل^{۱۲} که در سال ۱۹۶۳ در تکمیل کنوانسیون پاریس تدوین شده و هر دو کنوانسیون در سال‌های ۱۹۶۴، ۱۹۸۲ و ۲۰۰۳ مورد اصلاح واقع شده‌اند لیکن اصلاحات سال ۲۰۰۳ هنوز لازم‌الاجرا نشده است.^{۱۳}

کنوانسیون‌های نامبرده واجد اصول و قواعد خاصی در باب جبران خسارت هسته‌ای می‌باشند که متعاقباً به تشریح هر یک می‌پردازیم.

۱- مسؤول جبران خسارت و زیان‌دیده

جبران خسارت زیان‌دیده حادثه اتمی منوط به اقامه دعوا در دادگاه صالح و بر مبنای قانون قابل اعمال می‌باشد. نظر به اینکه یکی از اوصاف دعوی حقوقی وجود خواهان و خوانده به عنوان طرفین دعوا است و دعوی مسئولیت مدنی هسته‌ای نیز از این امر مستثنا نمی‌باشد لذا به دلیل ویژگی‌های خاص خسارات اتمی و با توجه به تصریح مقررات ویژه در باب شناسایی مسؤول حادثه اتمی در کنوانسیون‌های یادشده، معرفی خواهان و خوانده دعوی مطالبه غرامت برای خسارات ناشی از حادثه هسته‌ای خالی از فایده نخواهد بود.

۱-۱- معرفی زیان‌دیده و مسؤول دعوی جبران خسارت هسته‌ای بر مبنای

کنوانسیون‌های بین‌المللی

خواهان یا زیان‌دیده از حوادث اتمی عبارت است از هر شخصی که از زیان‌های حاصل از حادثه اتمی رنج می‌برد. لذا خواهان ممکن است، شخص ثالث خارج از تأسیسات اتمی یا داخل تأسیسات اتمی و یا یکی از کارکنان یا کارمندان بهره‌بردار تأسیسات مربوطه، باشد.

10. Carlton Stoiber et al., *Hand Book on Nuclear Law*, Vienna, International Atomic Energy Agency, First Edition, 2003, p. 108.

11. A. Schwartz, *op. cit.*, p. 42.

12. Brussels Convention Supplementary to the Paris Convention (1963)

13. Stoiber et al., *op. cit.*, p. 108.

مصادق بارز مورد اخیر عبارت است از وقوع حادثه وینداسکال پایل^{۱۴} در سال ۱۹۵۷ که به عنوان بدترین حادثه پرتوی در انگلستان شناخته شد، بدین نحو که خطای انسانی منجر به آتش سوزی در راکتور تولید کننده پلوتونیوم، و در نتیجه سبب سوختن مقدار زیادی اورانیوم، انتشار پرتوهای یونیزان تا شعاع ۲۰۰ مایلی و کشته شدن ۳۲ نفر از جمله کارکنان تأسیسات مزبور گشت. همچنین در سال ۲۰۰۴ خروج بخارهای غیر رادیواکتیو از یک نیروگاه هسته‌ای در ژاپن منتهی به مرگ ۴ کارگر نیروگاه و سوختگی شدید ۷ تن دیگر گردید.^{۱۵} از این روست که در اکثر کشورها، بر مبنای سیستم بیمه درمانی عمومی، سیستم تأمین اجتماعی و سیستم پرداخت خسارت بابت بیمه به کارگر، کارکنان متضرر از خسارت هسته‌ای، مستحق مطالبه غرامت بابت زیان‌هایی می‌باشند که متحمل شده‌اند. در حقیقت ضرورت حفظ مزایای چنین سیستم‌هایی نه تنها برای کارکنان تأسیسات مربوطه بلکه برای هر شخص شاغل در سایر تأسیسات و نیروگاه‌های هسته‌ای نیز، احساس می‌شود لیکن اتخاذ تصمیم در خصوص کارکنانی که استحقاق اخذ غرامت را دارند به قانون ایجاد کننده سیستم‌های نام برده، واگذار شده است. همچنین تصمیم‌گیری در خصوص اینکه آیا نهادهای مسؤل در چنین سیستم‌هایی می‌توانند بابت بازپرداخت وجوه تأدیه شده، به بهره‌بردار مسؤل رجوع نمایند یا خیر در صلاحیت قانون سازمانی می‌باشد که چنین سیستمی را پایه‌گذاری و تأسیس نموده است.^{۱۶}

طبق کنوانسیون وین هر شخصی ممکن است برای اعمال و اجرای حقوقی که بر اساس این کنوانسیون به وسیله جانشینی یا انتقال تحصیل نموده است، اقامه دعوا نماید. لذا عنوان خواهان منحصر به زیان‌دیده مستقیم فعل زیانبار نبوده و علاوه بر وی، قائم مقام عام و خاص او را نیز شامل می‌شود. بنابراین در فرضی که تابش دوز بالای از پرتوهای یونیزان منجر به مسمویت با پرتو و نهایتاً مرگ قربانی می‌گردد و طلب وی از بابت تدارک زیان‌هایی که متحمل گشته، به وراث منتقل می‌شود و یا زمانی که شرکت‌های بیمه، صندوق تأمین اجتماعی و مؤسسات عمومی، خسارات وارده به متضرر را به طور کامل جبران می‌نمایند^{۱۷} و یا در فرضی که وقوع حادثه اتمی به موازات صدمات جسمی، عوارض روحی و روانی در پی داشته و منجر به اختلال در تعادل روانی و شخصیتی قربانی گشته و او را به سمت افسردگی و نهایتاً حجر و عدم اهلیت سوق می‌دهد، وراث،

14. Wind scale pile

۱۵. سید عباس حسنی و مرضیه فتحی، آمادگی و پاسخ مراکز درمانی در حوادث پرتوی، تهران، نشر

سیمین، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۸.

16. Expose/des motifs of Paris Convention, para. 42.

۱۷. میشل لور راسا، مسؤلیت مدنی، محمد اشتری، تهران، نشر حقوقدان، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۱۴۰.

شرکت‌های بیمه و بیم زیان‌دیده، در فروض فوق به عنوان قائم مقامی، جانشینی و یا نمایندگی از جانب وی، مستحق اقامه دعوی جبران خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای خواهند بود.

شایان ذکر است که تدوین‌کنندگان کنوانسیون‌های پاریس و وین^{۱۸} با عنایت به اوصاف خاص خسارات اتمی، حق ویژه‌ای را برای خواهان دعوی مسئولیت مدنی هسته‌ای پیش‌بینی نموده‌اند. بدین نحو که جز در مواردی که قانون ملی خلاف این امر را مقرر نکرده باشد، خواهان مجاز است در هر مرحله از دادرسی و حتی پس از انقضاء مدت مرور زمان مقرر در کنوانسیون‌های مزبور، نسبت به اصلاح خواسته خود مبادرت ورزد و متناسب با وخامت خسارت وارده، مطالبه غرامت نماید مشروط بر اینکه حکم نهایی توسط دادگاه صالح صادر نشده باشد. مقرر فوق‌الذکر عیناً در بند ۳ ماده ۱۲ «قانون مسئولیت مدنی برای خسارت اتمی» رومانی (۲۰۰۱) انعکاس یافته است.

به موازات خواهان باید از خواننده به عنوان طرف دیگر دعوی مسئولیت مدنی هسته‌ای یاد کرد. پیچیدگی و تخصصی بودن فعالیت‌های اتمی، شناسایی مسئول جبران خسارات ناشی از حادثه هسته‌ای را دشوار و گاهی غیرممکن می‌نماید. لذا زیان‌دیده در خصوص تشخیص خواننده به عنوان کسی که باید تحت تعقیب مدنی قرار گیرد، با تردید مواجه می‌شود.

همین دشواری و تردید، تدوین‌کنندگان کنوانسیون‌های بین‌المللی را به سمت معرفی و پذیرش «اصل کانالیزه کردن مسئولیت به سمت بهره‌بردار»^{۱۹} سوق داده است. بر مبنای اصل مذکور، چنانچه در نتیجه وقوع حادثه اتمی در تأسیسات هسته‌ای، خسارتی اعم از مادی یا معنوی به اشخاص ثالث تحمیل گردد، متصدی تأسیسات هسته‌ای منحصراً مسئول خسارات مزبور می‌باشد و هیچ فرد دیگری را نمی‌توان مسئول تلقی نمود. زیرا مسئولیت از لحاظ حقوقی به متصدی تأسیسات اتمی انتقال یافته است.^{۲۱} حتی در فرضی که حادثه

18. P.C Article 8(e); V.C Article VI(4): A moins que le droit du tribunal compétent n'en dispose autrement, toute personne qui affirme avoir subi un dommage nucléaire et qui a intenté une action en réparation dans le délai applicable en vertu du présent article peut modifier sa demande pour tenir compte de toute aggravation du dommage, même après l'expiration de ce délai, tant qu'un jugement définitif n'a pas été prononcé. Law on Civil Liability for Nuclear Damage (2001)

19. le principe de canalization de la responsabilité sur la tête de l'exploitant de réacteur ou de navire transportant les substances radioactives: Geneviève Viney & Patrice Jourdain, *Traité de Droit Civil. Les Conditions de la responsabilité*, Librairie générale de droit et de jurisprudence, 2^e éd, 1998, p. 626; et Geneviève Viney, *Traité de Droit Civil. Introduction a la responsabilité*, Librairie générale de droit et de jurisprudence, 2^e éd, 1995, p. 30.

۲۰. فیض‌الله جعفری، «حوادث اتمی و اصول مسئولیت مدنی»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۱۳۸۷، ش ۱۳، ص

هسته‌ای در طی حمل و نقل مواد اتمی به وقوع می‌پیوندد، کنوانسیون‌های نامبرده، یا بهره‌بردار تأسیسات اتمی که مواد مذکور از آنجا خارج می‌شود یا بهره‌بردار تأسیساتی که مواد هسته‌ای به آنجا انتقال داده می‌شود را به عنوان مسؤل معرفی می‌نمایند. البته اشخاص نامبرده می‌توانند با انعقاد قرارداد کتبی در مورد اینکه در کدام مرحله حمل و نقل، مسؤلیت از یک بهره‌بردار به دیگری انتقال یابد، با یکدیگر توافق نمایند. در صورت فقدان چنین توافقی، زمانی را که بهره‌بردار گیرنده، مواد اتمی را تحویل می‌گیرد می‌توان به عنوان زمان انتقال مسؤلیت از بهره‌بردار فرستنده به بهره‌بردار گیرنده، تلقی نمود. در هر حال بر مبنای اصل مسؤلیت انحصاری بهره‌بردار^{۲۲} یا کانالیزه کردن مسؤلیت به سمت وی، تنهای بهره‌بردار خوانده دعوی جریان خسارات هسته‌ای واقع می‌شود و صرفاً علیه وی می‌توان اقامه دعوا نمود. البته باید یک مورد را از اصل یاد شده استثنا کرد و آن عبارت است از اینکه بر مبنای کنوانسیون پاریس، دولت عضو کنوانسیون نامبرده می‌تواند تحت شرایطی که در قانون مقرر می‌کند، بنا به درخواست عامل حمل و نقل، و رضایت بهره‌بردار و تصمیم مراجع ذیصلاح، در خصوص حوادث اتمی که در جریان حمل مواد اتمی رخ می‌دهد، عامل حمل و نقل را به عنوان جانشین بهره‌بردار و مسؤل تدارک زیان‌های اتمی معرفی نماید. به عبارت دیگر با عامل حمل و نقل مانند متصدی تأسیسات اتمی رفتار خواهد شد. لذا تحت چنین شرایطی دعوی جریان خسارت هسته‌ای علیه عامل حمل و نقل به عنوان خوانده دعوی مزبور، اقامه می‌گردد.^{۲۳} کنوانسیون وین^{۲۴} علاوه بر عامل حمل و نقل، با رعایت شرایط فوق‌الذکر، کنترل کننده زباله‌های رادیواکتیو را نیز به عنوان جانشین بهره‌بردار تأسیسات اتمی و مسؤل معرفی نموده، در حالی که کنوانسیون پاریس در این خصوص مسکوت است.

22. Exclusive Liability Principle:- P.C Article 4(d): La législation d'une Partie Contractante peut prévoir qu'à des conditions qu'elle détermine, un transporteur peut être substitué, en ce qui concerne la responsabilité prévue par la présente Convention, à un exploitant d'une installation nucléaire située sur le territoire de ladite Partie Contractante, par décision de l'autorité publique compétente, à la demande du transporteur et avec l'accord de l'exploitant, si les conditions requises à l'article 10 a) sont remplies. Dans ce cas, le transporteur est considéré, aux fins de la présente Convention, pour les accidents nucléaires survenus en cours de transport de substances nucléaires, comme exploitant d'une installation nucléaire située sur le territoire de ladite Partie Contractante.

23. Stoiber et al., *op. cit.*, p. 117.

24. V.C Article II(2): "The installation state may provide by legislation that, in accordance with such terms as may be specified there in, a carrier of nuclear material or a person handling radioactive waste may, at his request and with the consent of the operator concerned, be designated or recognized as operator in the place of that operator in respect of such nuclear material or radioactive waste respectively. In this case such carrier or such person shall be considered, for all the purposes of this convention, as an operator of a nuclear installation situated within the territory of that state."

۱-۲- اقامه دعوا از ناحیه دولت به نمایندگی از قربانی حادثه هسته‌ای

در پاره‌ای موارد منافع قربانیان حادثه هسته‌ای اقتضا می‌کند که اقامه دعوی جبران خسارت اتمی از ناحیه دولت محل سکونت یا اقامت زیان‌دیده و یا دولت متبوع وی و به نمایندگی از طرف زیان‌دیده، صورت گیرد. تدوین‌کنندگان پروتکل اصلاح کنوانسیون وین (۱۹۹۷) از این قاعده غافل نمانده و در ماده جدید کنوانسیون وین (ماده XIA) به این مطلب اشاره نموده‌اند. این در حالی است که پیش از این کنوانسیون‌های پاریس و وین در این خصوص مسکوت بودند. بدون اغراق باید ماده یاد شده را یک بدعت و نوآوری شکلی معرفی نمود که بر مبنای آن به دول عضو کنوانسیون‌های نامبرده اجازه داده شده است که به نمایندگی از زیان‌دیدگانی که تبعه یا مقیم یا ساکن قلمرو سرزمینی‌شان هستند، علیه مسئول جبران خسارات هسته‌ای، اقامه دعوا نمایند مشروط بر اینکه اشخاص نامبرده به چنین امری رضایت داده باشند.^{۲۵}

مقرر فوق‌الذکر تا حد قابل توجهی مسأله اقامه دعوی غرامت و نمایندگی از ناحیه قربانیان را تسهیل می‌نماید، زیرا فقدان چنین امری منجر به اقامه دعوا در محکمه خارجی می‌شود و این موضوع قربانی را در موقعیت نامناسب و ناعادلانه اتمی قرار می‌دهد. زیرا وی ملزم خواهد بود با وجود هزینه‌های سنگین و مشکلات مربوط به زبان، سنت و دادرسی قانونی، در محکمه خارجی حضور به عمل آورد و روال دادرسی را پشت سر گذارد.^{۲۶}

شایان ذکر است که اعمال قاعده مزبور در خصوص حوادث صنعتی که معمولاً متضمن وجود هزاران قربانی می‌باشد، بسیار مثمر ثمر و کاربردی خواهد بود. زیرا در این قسم حوادث تشخیص سریع و اتخاذ تصمیم در مورد اینکه چه کسی حق نمایندگی از طرف قربانیان را دارد، بسیار حائز اهمیت است.

یکی از مصادیق این قسم حوادث، وقوع حادثه صنعتی بوپال^{۲۷} در سوم دسامبر ۱۹۸۴ است که از جمله وقایع فاجعه بار در تاریخ صنایع شیمیایی می‌باشد. در این روز در بوپال واقع در ایالت مادها پرادش^{۲۸} در مرکز هند فاجعه‌ای رخ داد که هنوز انسان‌های بسیاری با عواقب آن دست به گریبان هستند. نشت متیل ایزو سیانات با نام اختصاری MIC منجر به

25. V.C Article XIA (a): "The Contracting Party whose courts have jurisdiction shall ensure that in relation to actions for compensation of nuclear damage-a. any state may bring an action on behalf of persons who have suffered nuclear damage, who are nationals of that state or have their domicile or residence in its territory and who have consented there to."

26. Roland Dussart Desart, "The Reform of the Paris Convention on Third Party Liability in the field of Nuclear Energy and of the Brussels Supplementary Convention an overview of the Main Features of the Modernization of the Two Convention", *Nuclear Law Bulletin*, 2005, No. 75, p. 24.

27. Bhopal

28. Mydhya Pradesh

مسمویت و مرگ ۲۰۰۰ نفر گردید.^{۲۹} در پی این حادثه این پرسش مطرح شد که آیا دولت هند حق نمایندگی از قربانیان را دارد یا خیر؟ پاسخ به این پرسش در گرو تحلیل ماهیت حقوقی قاعده یاد شده، می‌باشد. این قاعده از حیث ماهیت حقوقی از ویژگی خاصی برخوردار است به نحوی که باید آن را از حمایت دیپلماتیک سنتی تفکیک نمود. زیرا حمایت دیپلماتیک عبارت است از کلیه اقدامات یک کشور نزد کشور دیگر برای احقاق حق اتباع خود و حمایت از آنان که در قلمرو کشور خارجی مورد تعدی و تفریط و تجاوز قرار گرفته‌اند. بر مبنای تعریف مذکور، تحقق حمایت دیپلماتیک مستلزم اجتماع شرایطی است:

نخست اینکه زیان‌دیده از اتباع کشور خواهان باشد. به دیگر سخن، هرگاه تبعه کشوری در کشور دیگر دچار خسارت و زیان گردد، دولت متبوع وی می‌تواند در راستای اجرای اصل حمایت دیپلماتیک رأساً طرف دعوا قرار گیرد. دوم اینکه پیش از دخالت دولت متبوع زیان‌دیده، نامبرده باید جهت احقاق حق خود به مراجع قضائی محلی مراجعه نموده و به نتیجه‌ای نرسیده باشد.^{۳۰} شرط نهایی دیگر که به اعتقاد عده‌ای لازمه برخورداری زیان‌دیده از حمایت دیپلماتیک می‌باشد عبارت است از رعایت اصل پاکدستی مدعی بدین معنا که زیان‌دیده رفتاری صحیح و مطابق مقررات داخلی کشور محل اقامت و حقوق بین‌الملل داشته باشد.^{۳۱}

علی‌رغم شرایطی که برای اجرای حمایت دیپلماتیک ذکر شد، حمایت دولت از اتباع خود در قبال حوادث هسته‌ای در گرو تحقق چنین شرایطی نمی‌باشد. زیرا اولاً برخورداری قربانی از چنین حمایتی مستلزم عدم کفایت و کارایی مراجع قضائی و روش‌های جریان خسارت داخلی کشور محل اقامت زیان‌دیده نیست. ثانیاً زیان‌های وارده به متضرر از فعل دولت خارجی نشأت نگرفته است. لذا ماهیت این نوع حمایت تا حدودی به ماهیت «حمایت کنسولی» نزدیک‌تر است اگرچه اندکی تأمل در این خصوص وجود پاره تفاوت‌ها میان حمایت کنسولی و قاعده مزبور را آشکار می‌سازد. زیرا حمایت کنسولی اختصاص به اتباع دولت حمایت‌کننده دارد. لذا نسبت به اشخاص ساکن قلمرو سرزمینی دولت مزبور، قابل اجرا نیست در حالی که بر مبنای ماده جدید کنوانسیون وین، قاعده اقامه دعوای جریان خسارت هسته‌ای از ناحیه دولت به نمایندگی از زیان‌دیده نه تنها نسبت به اتباع

29. <http://hse-ir.com/cms/index.php.4>

۳۰. هوشنگ مقتدر، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ ششم،

۱۳۸۱، ص ۱۵۶.

۳۱. محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۱، ص ۴۱۲.

دولت مذکور بلکه نسبت به اشخاص مقیم یا ساکن دولت نامبرده نیز اعمال می‌گردد.^{۳۲}

۱-۳- معرفی زیان‌دیده و مسئول دعوای جبران خسارت هسته‌ای بر مبنای حقوق ایران
در حقوق ایران تعیین مسئول را باید بر مبنای ماده ۱۱ قانون مسئولیت انجام داد که با توجه به اینکه بهره‌بردار دولت بوده و بهره‌برداری از این تأسیسات نیز نوعی اعمال حاکمیت است و در اعمال حاکمیت طبق ماده مزبور دولت ضامن نمی‌باشد تعیین مسئول عملاً منتفی است. مگر اینکه دولت را نوعی کارفرما به شمار آورده و طبق ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی وی را مسئول اعمال کسانی بدانیم که برای وی کار می‌کنند.

۲- مدت زمان مطالبه جبران خسارت هسته‌ای

در کلیه نظام‌های حقوقی، در مورد اقامه دعوای غرامت علیه فاعل فعل زیانبار، محدودیت زمانی وجود دارد. در خصوص اقامه دعوای جبران خسارت علیه بهره‌بردار تأسیسات اتمی نیز همین قاعده اعمال می‌شود. زیرا از یک‌سو برخی از آثار و نتایج حاصل از حادثه هسته‌ای سال‌ها پس از وقوع حادثه آشکار می‌گردد و در صورت عدم تعیین مرور زمان در مورد این قسم دعوای، همواره تشویش و نگرانی از تعقیب کیفری و حقوقی گریبان‌گیر بهره‌بردار خواهد بود. از سوی دیگر پوشش بیمه محدود به مدت معینی است و بیمه‌گران یا سایر ضامنان مالی بهره‌بردار که وی را از لحاظ مالی حمایت می‌نمایند، نمی‌توانند برای مدت نامعلومی جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای را تضمین کنند. ضمن اینکه فاصله زمانی طولانی میان تاریخ وقوع حادثه اتمی و زمان بروز خسارت، اثبات رابطه سببیت میان ضرر و حادثه هسته‌ای را که اثبات آن از وظایف خواهان دعوای مطالبه غرامت می‌باشد، دشوار می‌سازد. لذا کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی هسته‌ای به تعیین مرور زمان برای حق اقامه دعوای جبران خسارت اتمی، مبادرت ورزیده‌اند.

۲-۱- مدت زمان مطالبه جبران خسارت هسته‌ای بر مبنای کنوانسیون‌های بین‌المللی

مسئولیت مدنی هسته‌ای

به موجب ماده ۸ کنوانسیون پاریس، دعوای جبران خسارات هسته‌ای باید ظرف مدت ۱۰ سال از تاریخ وقوع حادثه اتمی، اقامه شود لیکن بر مبنای کنوانسیون مزبور، در فرضی که در قانون دولت مقرر تأسیسات اتمی، پوشش بیمه مسئولیت بهره‌بردار بیش از ۱۰ سال

32. Vanda Lamm, "The Protocol Amending the Vienna Convention", *Nuclear Law Bulletin*, 1998, No. 61, p. 182.

باشد، قانون دادگاه صالح مجاز است حق اقامه دعوی غرامت را به بیش از ۱۰ سال و حتی تا زمان انقضای مدت تضمین مالی، افزایش دهد مشروط به اینکه این امر منجر به تضییع حقوق کسانی که دعوا را ظرف ۱۰ سال اقامه نموده‌اند، نگشته و از حقوق آنان حمایت به عمل آید^{۳۳} (نظیر این وضعیت در کنوانسیون وین نیز پیش‌بینی شده است).

همچنین کنوانسیون نامبرده به معرفی قاعده‌ای تحت عنوان «قاعده کشف» مبادرت ورزیده است که بر مبنای آن، قانون‌گذار داخلی مجاز است مقرر نماید که دعوا باید حداقل ظرف ۲ سال از تاریخی که قربانی حادثه اتمی، زیان و هویت بهره‌بردار مسؤل را کشف و احراز نموده است، اقامه گردد. مشروط بر اینکه موعد مقرر از مواعد مندرج در بند ۱ و ۲ ماده ۸ کنوانسیون پاریس تجاوز نکند.

مقررات فوق‌الذکر تضمین‌کننده حقوق قربانیان حوادث هسته‌ای نبود. خصوصاً در مواردی که صدمات جسمی حاصل از حادثه اتمی ده‌ها سال پس از وقوع حادثه مزبور بروز می‌نمود. لذا مقررات یاد شده توسط تدوین‌کنندگان پروتکل‌های ۱۹۶۴، ۱۹۸۲ و ۲۰۰۴ به طور اساسی مورد اصلاح و تغییر واقع شده‌اند. بدین نحو که مرور زمان دعاوی جبران خسارت برای فوت و صدمات جسمی از ۱۰ سال به ۳۰ سال افزایش یافته است و مدت زمان اقامه دعوا برای سایر اقسام خسارت همچنان ۱۰ سال می‌باشد.^{۳۴}

کنوانسیون اصلاح شده پاریس هنوز تعیین مواعد طولانی‌تر از ناحیه قانون‌گذار داخلی، برای اقامه دعوی غرامت را مجاز می‌دارد اگرچه که در چنین فرضی با گذشت زمان، اثبات رابطه سببیت میان حادثه اتمی و صدمات جسمی وارده، دشوارتر می‌گردد. لذا پیش‌بینی مرور زمان ۳۰ ساله برای این قسم خسارات، یک پاسخ به نیاز اجتماعی تلقی می‌شود.

شایان ذکر است که بر مبنای اصلاحات به عمل آمده نسبت به مفاد کنوانسیون پاریس،

33. P.C Article 8(a): "The right of compensation under this Convention shall be extinguished if an action is not brought within ten years from the date of the nuclear incident. National legislation may, however, establish a period longer than ten years if measures have been taken by the Contracting Party in whose territory the nuclear installation of the operator liable is situated to convention the liability of that operator in respect of any actions for compensation begun after the expiry of the period of ten years and during such longer period: provided that such extension of the extinction period shall in no case affect the right of compensation under this convention of any person who has brought an action in respect of loss of life or personal injury against the operator before the expiry of the period of ten years."

33. Discovery Rule. P.C Article 8 (c): "National legislation may establish a period of not less than two years for the extinction of the right or as a period of limitation either from the date at which the person suffering damage has knowledge or from the date at which he ought reasonably to have known of both the damage and the operator liable: provided that the period established pursuant to paragraph (a) and (b) of this Article shall not be exceeded."

34. A. Schwartz, *op. cit.*, p. 43; P.C Article 8 (a): "The right of compensation under this Convention shall be subject to prescription or extinction if an action is not brought, i) with respect to loss of life and personal injury within thirty years from the date of the nuclear, incident; ii) with respect to other nuclear damage, within ten years from the date of the nuclear incident."

محدودیت زمانی اختیاری که از تاریخ اطلاع قربانی از صدمه و شناسایی بهره‌بردار مسؤول، آغاز می‌گردد از ۲ سال به ۳ سال تغییر یافت.^{۳۵}

بر مبنای ماده ۶ کنوانسیون، دعاوی مطالبه غرامت برای خسارات اتمی، مشمول مرور زمان ۱۰ ساله می‌باشد مگر در فرضی که خسارات اتمی ناشی از سوخت‌های هسته‌ای، یا فرآورده‌های رادیواکتیو بوده که در زمان وقوع حادثه اتمی، مفقود شده یا به سرقت رفته یا به دریا پرتاب شده و یا رها شده است، که در این صورت مدت مرور زمان ۱۰ سال از تاریخ حدوث حادثه اتمی احتساب می‌گردد مشروط بر اینکه مدت مزبور بیش از ۲۰ سال از تاریخ سرقت، مفقود، دور ریختن یا اعراض از مواد مزبور نباشد.

مقرر مذكور در کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس نیز مطرح شده بود (Article 8(b)) کنوانسیون‌های نامبرده در خصوص چنین حوادثی یک مرور زمان ۲۰ ساله را تعیین نموده بودند لیکن به موجب اصلاحاتی که در کنوانسیون پاریس به عمل آمده، مقرر فوق حذف گردید و در پروتکل اصلاح کنوانسیون وین نیز دعوا در خصوص حوادث اتمی ناشی از مواد مفقود شده، مسروقه، دور ریخته و اعراض شده، مشمول مرور زمان ۱۰ ساله واقع شد. مرور زمان ۱۰ ساله مقرر در کنوانسیون‌ها و پروتکل مزبور از مرور زمان تعیین شده به وسیله بسیاری از دول در خصوص خسارات ناشی از فعالیت‌های خاص خطرناک، بسیار طولانی‌تر است. زیرا تأثیر خسارت‌های ناشی از آلودگی‌های رادیواکتیو بر گیاهان، جانوران و موجودات زنده، معمولاً پس از گذشت مدت زمان قابل توجهی، آشکار می‌گردند و این امر در خصوص خسارات وارده بر جسم و جان وخیم‌تر است. لذا پروتکل اصلاح کنوانسیون وین (۱۹۹۷) با ایجاد تفکیک میان زیان‌های مالی و فوت و صدمات جسمی، برای اقامه دعوی جبران خسارات جسمی مرور زمان ۳۰ ساله را به رسمیت شناخته است و این در حالی است که نسبت به سایر اقسام خسارت، مرور زمان ۱۰ ساله اعمال می‌گردد.

قاعده کشف مندرج در کنوانسیون ۱۹۶۳ وین نیز از اصلاحات پروتکل ۱۹۹۷ مصون نمانده است. زیرا به موجب بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون وین، ممکن است قانون دادگاه صالح مدتی را که کمتر از ۳ سال بوده و مبدأ آن تاریخ اطلاع زیان‌دیده از زیان و بهره‌بردار مسؤول می‌باشد را به عنوان مرور زمان مقرر می‌دارد.^{۳۶} در حالی که بر مبنای ماده ۸ پروتکل اصلاح کنوانسیون وین دعوی جبران خسارات هسته‌ای باید ظرف مدت ۳ سال از

35. P.C Article 8(d): "National legislation may establish a period of not less than three years..."

36. V.C Article 6(3): "The law of the competent court may establish a period of extinction or prescription of not less than three years from the date on which the person suffering nuclear damage had knowledge or should have had knowledge of the damage and of the operator liable for the damage, provided that the period established pursuant to paragraphs 1 and 2 of the Article shall not be exceeded."

تاریخی که زیان‌دیده از خسارت و مسئولیت متصدی به جبران خسارت اطلاع یافته یا می‌بایست اطلاع می‌داشت، اقامه گردد در غیر این صورت حق وی برای اقامه دعوای غرامت زائل می‌شود.

لذا بر مبنای کنوانسیون وین، قانون دادگاه صالح می‌تواند مدتی را که حداقل ۳ سال از تاریخ علم و اطلاع زیان‌دیده است به عنوان مرور زمان تعیین کند در حالی که به موجب پروتکل اصلاح کنوانسیون وین، مدت مقرر حداقل ۳ سال می‌باشد. بنابراین پروتکل محدودیت زمان بیشتری را در خصوص اجرای قاعده کشف، اعمال نموده است.^{۳۷} این در حالی است که قسمت اخیر ماده ۶ کنوانسیون وین بدون تغییر باقی مانده و در هر دو کنوانسیون و پروتکل تصریح و تأکید شده است که مدت فوق‌الذکر نباید از مرور زمان‌های ۱۰ یا ۳۰ ساله مقرر در کنوانسیون و مواعد طولانی‌تر مقرر در قانون ملی دولت مقرر تأسیسات اتمی، تجاوز نماید.^{۳۸}

۲-۲- مدت زمان مطالبه جبران خسارت هسته‌ای بر مبنای نظام حقوقی ایران

بر مبنای ماده ۷۳۱ قانون آئین دادرسی سابق مرور زمان عبارت بود از گذشتن مدتی که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، دعوا شنیده نمی‌شود. لذا به موجب ماده مزبور رسیدگی به دعوای مشمول مرور زمان منع شده بود اما نه از نوع منع مطلق. بدین معنا که مرور زمان در صورتی مانع از استماع و رسیدگی به دعوای حقوقی می‌گردید که مدت مقرر در قانون منقضی شده و خوانده در اولین جلسه دادرسی نسبت به آن ایراد می‌نمود. بنابراین در صورت سکوت خوانده، ممنوعیت دادگاه از رسیدگی به دعوا منتفی می‌بود.^{۳۹} همچنین ماده ۷۳۷ ق.آ.د.م. سابق مقرر می‌داشت: «در کلیه دعوای راجع به اموال اعم از منقول و غیرمنقول و حقوق و دیون و منافع و محصول و اسباب تملک و ضمان و دعوای دیگر مدت مرور زمان ۱۰ سال است به استثنای مواردی که در این قانون یا سایر قوانین، مدت دیگری برای مرور زمان قرار داده شده است.» در حقیقت به موجب ماده فوق‌الذکر

37. Protocol to Amend the 1963 Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage Article 8(3): "Rights of compensation under the Convention shall be subject to prescription or extinction as provided by the law of the competent court if an action is not brought within three years from the date on which the person suffering damage had knowledge or ought reasonably to have had knowledge of the damage and of the operator liable for the damage, provided that the periods established by the operator liable for the damage, provided that the periods established pursuant to sub-paragraphs (a) and (b) of paragraph 1 of this Article shall not be exceeded."

38. Lamm, *op. cit.*, p. 17.

۳۹. احمد متین دفتری، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۱، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص

مرور زمان بر دو قسم عادی و اختصاصی قابل تقسیم بود.^{۴۰} که باید دعوای جبران خسارت را مشمول مرور زمان عادی (۱۰ ساله) محسوب نمود که مبدأ این مدت از تاریخی بود که دعوا قابل اقامه بوده و دعوا زمانی قابل طرح بود که حقی ایجاد و ذیحق مستحق مطالبه آن می‌شود.^{۴۱}

در حال حاضر قانون جدید آئین دادرسی مدنی در خصوص مرور زمان مسکوت و مقررات قانون قدیم نیز در این زمینه منسوخ شده است. در نتیجه امروزه صدور قرار عدم استماع دعوا به سبب شمول مرور زمان، منتفی می‌باشد مگر در خصوص مرور زمان‌هایی که در قوانین خاص نظیر قانون تجارت، پیش‌بینی شده است.^{۴۲} این در حالی است که سایر کشورهای مولد انرژی هسته‌ای در خصوص عضویت در کنوانسیون‌های بین‌المللی مسؤولیت مدنی هسته‌ای و یا تدوین و تصویب قانون خاص انرژی اتمی اقدامات لازم را مبذول نموده‌اند. مصداق بارز این مورد دولت لهستان است که علاوه بر عضویت در کنوانسیون ۱۹۶۳ وین و پروتکل مشترک ۱۹۸۹، در سال ۲۰۰۰ به تصویب قانون انرژی اتمی^{۴۳} اقدام نمود. به موجب بند اول ماده ۱۰۵ قانون فوق‌الذکر، مدت زمان اقامه دعوای جبران خسارات جسمی ناشی از حادثه اتمی، نامحدود می‌باشد. (این در حالی است که در کنوانسیون‌های بین‌المللی مسؤولیت هسته‌ای یک مرور زمان ۳۰ ساله برای این قسم دعوای پیش‌بینی شده است).

ولی مقنن در بند دوم ماده مذکور در خصوص دعوای جبران خسارات وارده بر اموال یا محیط زیست مقرر می‌دارد که این قسم دعوای باید ظرف مدت ۳ سال از تاریخی که زیان‌دیده از هويت بهره‌بردار مسؤول، اطلاع یافته است یا می‌بایست اطلاع می‌یافت، اقامه گردد. لیکن مدت فوق‌الذکر نباید بیش از ۱۰ سال از تاریخ حدوث حادثه هسته‌ای باشد. لذا بر مبنای ماده ۱۰۵ قانون انرژی اتمی لهستان، خسارت اتمی وارد بر اموال یا محیط زیست موضوع یک مرور زمان ۱۰ ساله است و حق مطالبه غرامت برای این قسم خسارات پس از ۱۰ سال از تاریخ وقوع حادثه اتمی، اسقاط می‌گردد.

۴۰. همان، ص ۲۳۵.

۴۱. همان، ص ۲۴۳.

۴۲. عبدالله شمس، آئین دادرسی مدنی، ج ۱، تهران، انتشارات دراک، چاپ ۱۲، ۱۳۸۸، ص ۱۸.

43. Atomic Energy ACT (2000), Article 105: "claiiss for compensation for nuclear damage resulting in personal injury by on individual hhall not be extinguihhed." Article 105: " 2. Claiiff or copp enttt ion for nuclear damage to property or to the enviroment shall be extinguished if an action is not brought within three years from the date on which the person suffering the damage had know ledge or should have had knowledge of the identity of the liable party. How ever, such rights shall be extinguished after ten years from the date of the nuclear incident."

بر مبنای ماده ۱۲ قانون مسؤولیت مدنی برای خسارت اتمی^{۴۴} رومانی نیز:

«۱- حق اقامه دعوی جبران خسارت علیه بهره‌بردار زائل می‌گردد اگر دعوا در خصوص مرگ و صدمات جسمی ظرف مدت ۳۰ سال و در مورد سایر خسارات، ظرف مدت ۱۰ سال از تاریخ وقوع حادثه اتمی، اقامه نگردد.

۲- حق اقامه دعوی جبران خسارت علیه بهره‌بردار ساقط می‌شود اگر دعوا ظرف ۳ سال از تاریخی که زیان‌دیده از خسارت و هویت بهره‌بردار مسؤول اطلاع یافته یا به طور معقول باید اطلاع می‌یافت، اقامه نگردد، مشروط بر اینکه از مواعد مندرج در پاراگراف اول تجاوز نکند.»^{۴۵}

مقرر فوق‌الذکر در ماده ۲-۱۳ قانون جبران خسارت هسته‌ای^{۴۶} جمهوری کره نیز انعکاس یافته است.

از دیگر مصادیق کشورهای واجد قانون خاص در خصوص انرژی اتمی، کشور کانادا است که علی‌رغم عدم عضویت در کنوانسیون‌های بین‌المللی مسؤولیت هسته‌ای با تصویب قانون مسؤولیت اتمی^{۴۷} اصول بنیادین مقرر در کنوانسیون پاریس و کنوانسیون وین را در مقررات داخلی خود منعکس نموده است. قانون‌گذار در باب مدت زمان اقامه دعوی جبران خسارات اتمی میان کلیه خسارات مالی و جسمی حاصل از حادثه و فوت قائل به تفکیک شده است. بدین نحو که در خصوص جراحات و آسیب‌های غیر از فوت و زیان‌های وارد بر اموال، قاعده کشف (که مبدأ آن تاریخ اطلاع زیان‌دیده می‌باشد) را پیش‌بینی نموده است در حالی که در مورد دعوی جبران خسارت ناشی از فوت مقرر می‌دارد که دعوی مزبور پس از ۳ سال از تاریخ فوت شخص، قابل طرح در دادگاه صالح نخواهد بود و در فرضی که ادله و مدارک قاطع و غیرقابل تشکیک در خصوص مرگ آن شخص در دسترس نیست، دعوی مطالبه غرامت برای فوت پس از ۳ سال از تاریخی که دادگاه واجد صلاحیت، چنین شخصی را مرده فرض می‌کند، غیرقابل طرح خواهد بود.

44. Law on Civil Liability for Nuclear Damage (2001)-7

45. Article 12: "1- The right to claim compensation from the operator shall be extinguished if an action is not brought within:

a) with respect to loss of life and personal injury pursuant to Article 3, paragraph d), sub-paragraph 1 30 years from the date of the nuclear incident;

b) with respect to other nuclear damage pursuant to Article 3, paragraph d), sub-paragraph 2-5 and 7, 10 years from the date of the nuclear accident.

2- The right to claim compensation from the operator shall be extinguished if an action is not brought within three years from the date on which the person suffering damage had knowledge or ought reasonably to have had knowledge of the damage and of the identity of the liable operator provided that the periode established pursuant to paragraph (1) shall not be exceeded."

46. Act on Compensation for Nuclear Damage (2001)-1

47. Nuclear Liability Act (1985)-2

بر مبنای ماده فوق‌الذکر، در هیچ موردی دعوا پس از ۱۰ سال از تاریخ تحقق و وقوع علت دعوا، اقامه نمی‌شود.

لذا قانون مسؤولیت اتمی کانادا هیچ‌گونه اشاره‌ای به مرور زمان ۳۰ ساله در خصوص صدمات جسمی ننموده است.^{۴۸}

مطالب فوق‌الذکر دال بر این واقعیت است که در حالی که قوانین داخلی دول و کنوانسیون‌های بین‌المللی با وضع قواعد خاص و طرح فروض مختلف و تفکیک انواع خسارات از یکدیگر، مدت زمان قانونی اقامه دعوی جبران خسارت هسته‌ای را به نحو دقیق تعیین نموده‌اند، قانون‌گذار ایران با حذف مقررات سابق آئین دادرسی مدنی در خصوص مرور زمان و سکوت در این زمینه، این پرسش را که مدت زمان قانونی برای طرح دعوی مسؤولیت مدنی هسته‌ای تا چه زمانی است را بدون پاسخ گذارده است.

۳- تعیین دادگاه صالح

۳-۱- تعیین دادگاه صالح بر مبنای کنوانسیون‌های بین‌المللی مسؤولیت مدنی هسته‌ای

کنوانسیون‌های بین‌المللی مسؤولیت مدنی اتمی به موازات پیش‌بینی اصل مسؤولیت محض و اصل کانالیزه کردن مسؤولیت به سمت بهره‌بردار و اصل مسؤولیت انحصاری بهره‌بردار^{۴۹} که شناسایی مسؤل و خوانده دعوی جبران خسارات اتمی را تسهیل می‌نمایند، با معرفی «اصل صلاحیت انحصاری»^{۵۰} دشواری‌های مربوط به تعیین محکمه واجد صلاحیت قضائی را مرتفع نموده‌اند.

بر اساس کنوانسیون پاریس و کنوانسیون وین^{۵۱} صلاحیت رسیدگی به دعوی جبران خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای با دادگاه‌های کشور عضو است که حادثه اتمی در قلمرو سرزمینی آن به وقوع پیوسته است. لذا مقرر فوق‌الذکر یک اصل صلاحیت انحصاری را مطرح می‌نماید که به موجب آن صرفاً دادگاه‌های کشوری که حادثه هسته‌ای در سرزمین آن رخ داده است نسبت به دعوی اقامه شده برای زیان‌های حاصل از حادثه هسته‌ای در چنین قلمروی، صلاحیت قضائی خواهند داشت.^{۵۲}

48. ection 13: “No action under thip part hhall be brought... b) in the caee of a claiio oor looo f life-3 I) after three years from the date of the death of the person for whose loss of life the claim is made, or II) where conclusive evidence of the death of that person is not available, after three years from the date on order pursuing the person to be dead by a court having jurisdiction in those matters, and in no caee, hhall any uuch action be brought after ten year rrot t he date the cauee of action rocee.”

49. <http://www.senat.fr/rap/102-004/102-0040.html>: la responsabilité exclusive de l'exploitant

50. Exclusive Jurisdiction Principle -5

51. I-P.C Article 13 met e d Aaml ye t rat égque e, p“es otherwise provided in this Article, jurisdiction over actions under Article 3, 4, 6 (a) and 6 (e) shall lie only with the courts of the Contracting Party in whose territory the nuclear incident occurred.”

52. Phillippe Sonds & Paolo Galizzi, “The 1968 Brueeels Convention and Liability for Nuclear

از جمله فواید اعمال اصل صلاحیت قضائی انحصاری این است که نظر به اینکه احتمال بروز زیان‌ها و خسارات هسته‌ای در نزدیکی محل وقوع حادثه اتمی، بیشتر است لذا با تعیین محکمه محل وقوع حادثه هسته‌ای، خواهان دعوای غرامت ملزم نخواهد بود در جلسات دادرسی که در مکانی دورتر از محل زندگی‌اش برگزار می‌گردد، حضور به عمل آورد. این مقوله خصوصاً در مورد حادثه اتمی که در جریان حمل مواد هسته‌ای به وقوع می‌پیوندد، حائز اهمیت است. یعنی در جایی که بهره‌بردار مسؤل، در کشوری هزاران مایل دورتر از محل وقوع حادثه به سر می‌برد. بدیهی است در چنین فرضی اعمال قواعد عام آئین دادرسی مدنی در خصوص تعیین دادگاه محل اقامت خوانده به عنوان دادگاه صالح، مدعیان خسارت را با مشکلات و مشقت‌هایی جهت حضور در دادگاه مزبور، مواجه خواهد نمود.

ماده ۱۳ کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی نیز در ضمن تصدیق اصل صلاحیت انحصاری دادگاه محل وقوع حادثه اتمی، از سایر کشورها ی عضو کنوانسیون درخواست می‌نماید که علاوه بر به رسمیت شناختن اصل فوق‌الذکر، نسبت به شناسایی و اجرای احکام و آرای صادره از دادگاه‌های مزبور اقدامات لازم را مبذول دارند.^{۵۳} شایان ذکر است که اصل صلاحیت انحصاری دادگاه کشور محل وقوع حادثه هسته‌ای یک اصل مطلق نیست بلکه استثنائی بر آن وارد است که به قرار ذیل می‌باشند:

۱- در فرضی که حادثه اتمی در خارج از قلمرو سرزمینی کشور عضو کنوانسیون به وقوع پیوسته و یا زمانی که تشخیص مکان وقوع حادثه اتمی به طور دقیق میسر و ممکن نباشد، دادگاه صالح، دادگاه‌های کشور مقرر تأسیسات اتمی بهره‌بردار مسؤل می‌باشد.^{۵۴}

۲- زمانی که بر مبنای مقررات فوق‌الذکر، دادگاه‌های بیش از یک کشور عضو، صالح شناخته شوند. بدین نحو که قسمتی از حادثه اتمی خارج از قلمرو سرزمینی کشورهای عضو کنوانسیون و قسمتی از آن داخل سرزمین یک کشور عضو، به وقوع پیوسته باشد دادگاه‌های کشور اخیرالذکر واجد صلاحیت قضائی می‌باشند.^{۵۵}

Dagg e", *Nuclear Law Bulletin*, 1999, NO. 64, p. 9.

53. Ben McRae, "The Convention Supplementary Compensation for Nuclear Damage: Catalys for a Global Nuclear Liability Regy", *Nuclear Law Bulletin*, 2007, No. 79, p. 19.

54. P.C Article 13 (b), V.C Article xi (2): "Where a nuclear incident occurs outii de the territory of the Contracting Parties, or where the place of the nuclear incident cannot be determined with certainty, jurisdiction over such actions shall lie with the courts of the Contracting Partying whose territory the nuclear intallation of the operator liable ii tuated."

55. P.C Article 13 (c)(i), V.C Article XI (3)(a): "Where jurisdiction would lie with the courts of more than one contracting parties by virtue of paragraph (a) or (b) of this Article, jurisdiction shall lie, i. if the nuclear incident occurred partly outside the territory of any Contracting Party and partly in the territory of a single Contracting Party, with the courts of that Contracting Party."

۳- در فرضی که دادگاه‌های متعددی در کشورهای عضو، صالح می‌باشند و بر مبنای کنوانسیون پاریس کشور ذینفع، تعیین دادگاه واحدی را از دیوان اروپای انرژی اتمی^{۵۶} درخواست می‌نماید^{۵۷} یا بر مبنای کنوانسیون وین، تعیین دادگاه واحد با توافق میان اعضای کنوانسیون که دادگاه‌هایشان صالح هستند، صورت می‌پذیرد.^{۵۸}

به موازات مقررات فوق‌الذکر در کنوانسیون‌های بین‌المللی مسؤلیت مدنی هسته‌ای، دولت‌های واجد تأسیسات اتمی نیز در قوانین داخلی خود به معرفی دادگاه صالح جهت رسیدگی به دعاوی جبران خسارت اتمی، مبادرت ورزیده‌اند. چنانکه «قانون مسؤلیت مدنی خسارت اتمی» رومانی مقرر دارد: «دادگاه صالح عبارت است از دادگاه^{۵۹} کاونتی که قلمرو داخلی آن، میزبان محل اصلی کسب و کار بهره‌بردار تأسیسات اتمی می‌باشد.»^{۶۰}

ماده ۱۰۶ «قانون انرژی اتمی» لهستان^{۶۱} ضمن ایجاد تفکیک میان دو فرض، مضمون کنوانسیون‌های نامبرده را منعکس نموده و مقرر می‌دارد: «۱- زمانی که خسارت اتمی ناشی از حادثه هسته‌ای بوده و حادثه مزبور در قلمرو سرزمینی جمهوری لهستان به وقوع پیوسته باشد، درخواست رسیدگی به دعوا به دادگاه بخش که بر اساس قانون فعالیت می‌کند تسلیم می‌گردد... ۳- زمانی که خسارات اتمی ناشی از حادثه هسته‌ای بوده و حادثه مزبور خارج از قلمرو سرزمینی جمهوری لهستان رخ داده باشد، محاکمی که به موجب کنوانسیون وین صالح شناخته می‌شوند، صلاحیت رسیدگی به دعوا را خواهند داشت.»

۳-۲- تعیین دادگاه صالح بر مبنای نظام حقوقی ایران

شایان ذکر است که به دلیل فقدان قانون مسؤلیت مدنی اتمی در نظام حقوقی ایران، به منظور شناسایی محکمه صالح باید به قانون آئین دادرسی مدنی رجوع نموده لیکن قانون

56. European Nuclear Energy Tribunal

57. P.C Article b (c)(ii): "In any other case, with the courts of the Contracting Party determined, at the request of a Contracting Party concerned, by the tribunal referred to in Article 17 as being the most closely related to the case in question."

58. Phillippe Sonds & Paolo Galizzi, *op. cit.*, p. 10. V.C Article XI (3)(6): "In any other case, with the courts of that Contracting Party which is determined by agreement between the Contracting Parties whose court would be competent under paragraph 1 or 2 of this Article."

۵۹. دادگاه کاونتی عبارت است از محکمه‌ای که اختیارات و صلاحیتش تابع قوانین اساسی یا اساسنامه ایالتی

است.

60. Law on Civil Liability for Nuclear Damage (2001) Article 3 (h): "The competent court is the county court whose territorial area hosts the main place of business of the operator of the nuclear installation"

61. Atomic Energy Act (2000) Article 106: "1-Where the nuclear damage was caused by a nuclear incident that occurred within the territory of the Republic of Poland, applications instituting proceeding shall be filed with the district courts of law ... where the nuclear damage was caused by a nuclear incident that outside the territory of the Republic of Poland, jurisdiction for application proceeding shall lie with the courts as determined by the Convention on Civil Liability for Nuclear Damage, adopted in Vienna on 21 July 1963."

یاد شده نیز فاقد ماده قانونی خاص در خصوص مرجع واجد صلاحیت جهت رسیدگی به دعاوی ناشی از مسئولیت مدنی می‌باشد. لذا در نظام حقوقی ایران، تشخیص دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی جبران خسارت به ویژه خسارت هسته‌ای، بر مبنای کلیات قوانین صورت می‌گیرد.

۳-۳- تعیین دادگاه صالح در خصوص خسارات هسته‌ای وارد در منطقه انحصاری اقتصادی

از جمله بحث‌هایی که مدت‌ها در باب ماده ۱۳ کنوانسیون پاریس و ماده ۱۱ کنوانسیون وین وجود داشته است، مربوط به گسترش دامنه اعمال قاعده صلاحیت انحصاری در مواردی است که حادثه اتمی در منطقه انحصاری اقتصادی کشور عضو به وقوع می‌پیوندد.^{۶۲} منطقه انحصاری اقتصادی منطقه‌ای است به عرض ۲۰۰ مایل از خط مبدأ که در آن دولت ساحلی دارای حقوق انحصاری در مورد منابع طبیعی و سایر صلاحیت‌های مربوطه است و دولت‌های ثالث دارای آزادی کشتیرانی، پرواز و کابل کشی و لوله‌گذاری هستند.^{۶۳} به موجب کنوانسیون پاریس (۱۹۶۰) قاعده صلاحیت انحصاری محکمه محل وقوع حادثه اتمی، نسبت به دعاوی قابل اعمال است که اولاً بر مبنای مفاد کنوانسیون پاریس اقامه شده و ثانیاً در قلمرو جغرافیایی کنوانسیون مزبور باشند. زیرا بر مبنای ماده ۲ کنوانسیون پاریس، این کنوانسیون نسبت به حوادثی که در سرزمین کشورهای غیرعضو به وقوع می‌پیوندد یا نسبت به خساراتی که در چنین سرزمینی وارد می‌آیند، اعمال نمی‌گردد مگر در مواردی که قانون کشور عضوی که مقر تأسیسات اتمی بهره‌بردار مسؤول است، چنین مقرر نماید.^{۶۴} لذا قلمرو جغرافیایی کنوانسیون پاریس به حوادثی محدود می‌شود که در سرزمین کشورهای عضو رخ داده و منجر به خسارت شده باشد^{۶۵} و سرزمین شامل دریای سرزمینی کشور عضو نیز می‌گردد. لیکن حوادث هسته‌ای رخ داده در دریای آزاد یا مناطق انحصاری اقتصادی کشور عضو را شامل نمی‌شود و منطقه انحصاری اقتصادی از قلمرو جغرافیایی کنوانسیون پاریس و به تبع آن قلمرو اعمال قاعده صلاحیت انحصاری خارج می‌باشد.

62. Dussart Desart, *op. cit.*, p. 24.

۶۳. آلن لو و رابین چرچیل، *حقوق بین‌الملل دریاها*، ترجمه بهمن آقایی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۳، ص ۲۲۱.

64. P.C Article 2: "This Convention does not apply to nuclear incidents occurring in the territory of non-Contracting States or to damage in such territory, unless otherwise provided by the legislation of the Contracting Party in whose territory the nuclear installation of the operator liable is situated, and except in regard to righte eferred to in Article 6(e)."

65. Norbert Pelzer, "On modernizing the Paris Convention, Reasons for Revising the Paris Convention and Objective", *Nuclear Law Bulletin*, 1973, No. 12, p. 52.

با تدوین و تصویب «کنوانسیون بروکسل در تکمیل کنوانسیون پاریس» (۱۹۶۳) محدوده سرزمینی اعمال کنوانسیون اخیرالذکر گسترش یافت بدین نحو که ماده ۲ کنوانسیون بروکسل^{۶۶} ضمن تصریح بر این مطلب که این کنوانسیون حوادث اتمی رخ داده در قلمرو سرزمینی کشورهای غیرعضو را شامل نمی‌شود، مقرر می‌دارد که نظام این کنوانسیون نسبت به خسارات هسته‌ای اعمال می‌گردد که یا در قلمرو سرزمینی کشور عضو به وقوع پیوسته باشد یا در دریای آزاد یا بر فراز دریای آزاد و در کشتی یا هواپیمایی رخ داده باشد که در سرزمین کشور عضو به ثبت رسیده‌اند و یا خسارات اتمی در دریای آزاد یا بر فراز دریای آزاد به تبعه کشور عضو کنوانسیون تحمیل شده باشد مشروط بر اینکه در مورد خسارات وارد بر کشتی یا هواپیما، کشتی یا هواپیمای مزبور در سرزمین کشور عضو ثبت شده باشند.

علی‌رغم مقرراتی که در خصوص محدوده سرزمینی کنوانسیون پاریس، موجود است لیکن کنوانسیون وین در خصوص قلمرو جغرافیایی خود مسکوت بوده لذا در باب اجرای قاعده صلاحیت انحصاری در منطقه انحصاری اقتصادی کشور عضو، دچار ابهاماتی بوده است. لیکن با تصویب پروتکل اصلاح کنوانسیون وین (۱۹۹۷) که منجر به افزودن پاراگراف جدیدی به ماده ۱۱ کنوانسیون نامبرده شد، ابهامات مزبور مرتفع گردیده است. بدین نحو که بر مبنای ماده ۱۱ کنوانسیون اصلاح شده وین، چنانچه حادثه هسته‌ای در منطقه انحصاری اقتصادی کشور عضو به وقوع بپیوندد یا اگر منطقه مزبور تأسیس نشده باشد و حادثه اتمی در منطقه‌ای رخ دهد که از حدود منطقه انحصاری اقتصادی که قرار است تأسیس شود تجاوز نکند، دادگاه آن کشور از صلاحیت قضائی جهت رسیدگی به دعاوی ناشی از این قسم حوادث، برخوردار است مشروط بر اینکه کشور عضو کنوانسیون، پیش از وقوع حادثه اتمی، وجود چنین منطقه‌ای را به امین منطقه (دبیر کل سازمان همکاری اقتصادی و توسعه اروپا) اطلاع داده باشد.^{۶۷}

66. B.S.C. Article 2 (a)(ii): "a. The system of this Convention shall apply to damage caused by nuclear incidents, other than those occurring entirely in the territory of a State which is not a party to this Convention: ii. Suffered; 1. in the territory of a Contracting Party; or 2. on or over the high seas on board a ship or aircraft registered in the territory of a Contracting Party; or 3. on or over the high seas by a national of a Contracting Party, provided that, in the case of damage to a ship or an aircraft, the ship or aircraft is registered in the territory of a Contracting Party, provided that the courts of a Contracting Party have jurisdiction pursuant to the Paris Convention."

67. V.C Article XI (1 bi): "Where a nuclear incident occurs within the area of the exclusive economic zone of a Contracting Party or if such a zone has not been established, in an area not exceeding the limits of an exclusive economic zone, were one to be established, jurisdiction over actions concerning nuclear damage from that nuclear incident, shall for the purposes of this Convention lie only with the courts of that Party. The preceding sentence shall apply if that Contracting Party has notified the depositary of such area prior to the nuclear incident. Nothing in this paragraph shall be interpreted as permitting the exercise of jurisdiction in a manner which is contrary to the international law of the sea, including the United Nations Convention the law of the sea."

مقرر فوق‌الذکر بسیار بحث برانگیز بود. زیرا برخی بر این باورند که وقوع حادثه هسته‌ای در منطقه انحصاری اقتصادی کشور عضو از مصادیق نخستین استثنای وارد بر قاعده صلاحیت انحصاری است که پیش از این مطرح گردید. لذا باید دادگاه‌های کشور مقرر تأسیسات اتمی متصدی مسؤل را، به عنوان دادگاه صالح معرفی نمود. زیرا اعمال قاعده فوق منجر به تنظیم و شکل‌گیری یک سیستم صلاحیت شناور می‌گردد که در قیاس با قاعده صلاحیت دادگاه کشور محل استقرار تأسیسات اتمی بهره‌بردار مسؤل، از وضوح و ثبات کمتری برخوردار است. لیکن گروهی از حقوقدانان قاعده مورد بحث را اینگونه توجیه می‌نمایند که دادگاه‌های کشوری که حادثه اتمی در منطقه انحصاری اقتصادی آن رخ داده است از حیث مسافت به تعداد کثیری از قربانیان، نزدیک‌تر است، لذا منافع آنان را به شکل بهتری تضمین می‌نماید. لیکن بدیهی است که شناسایی و تعیین دادگاه صالح بر مبنای قاعده صلاحیت انحصاری به سادگی میسر نیست، زیرا اجرای چنین قاعده‌ای مستلزم علم و اطلاع از زمان و مکان دقیق حادثه اتمی می‌باشد در حالی که دادگاه دولت مقرر تأسیسات اتمی بهره‌بردار مسؤل، به عنوان دادگاه صالح در خصوص حوادث اتمی واقع در منطقه انحصاری اقتصادی، این مزیت را در پی خواهد داشت که به عنوان یک عامل کاملاً ثابت، امر شناسایی را تسهیل می‌نماید. علی‌رغم مجادلاتی که در این باب به عمل آمده است، بر مبنای کنوانسیون‌های اصلاح شده نامبرده، در حال حاضر قاعده صلاحیت انحصاری نسبت به حوادث هسته‌ای واقع در منطقه انحصاری اقتصادی نیز قابل اعمال و تسری می‌باشد. البته ماده ۱۱ کنوانسیون اصلاح شده وین در ادامه مقرر می‌دارد که این پاراگراف نباید به نحوی تفسیر شود که اجرای کنوانسیون را در حالتی که مخالف حقوق بین‌الملل دریاهاست، مجاز نماید.^{۶۸} مقرر مذکور در بند ۲ ماده ۱۳ کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی نیز انعکاس یافته است. بدین نحو که بر مبنای کنوانسیون مزبور اصل صلاحیت انحصاری نه تنها نسبت به حوادث اتمی که در سرزمین یا دریای سرزمینی کشور عضو رخ می‌دهد، اعمال می‌گردد بلکه حوادث اتمی در منطقه انحصاری اقتصادی کشور یاد شده را نیز در بر گرفته و پوشش می‌دهد.

شایان ذکر است که علی‌رغم تصریح ماده ۱۳ کنوانسیون یاد شده مبنی بر اعطای صلاحیت قضائی به دادگاه کشوری که حادثه هسته‌ای در منطقه انحصاری اقتصادی آن به وقوع پیوسته است، لیکن ضمیمه کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی مقرر می‌دارد که مسؤلیت بهره‌بردار به وسیله قانون ملی دولت مقرر تأسیسات اتمی، تعیین می‌گردد.^{۶۹}

68. Dussart Desart, *op. cit.*, p. 24.

69. Ben McRae, "The Compensation Convention: Path to a Global Regime for Dealing with Legal Liability and Compensation for Nuclear Damage", *Nuclear Law Bulletin*, 1998, No. 61, p. 33; Annex of

۳-۴- ضرورت اعمال قاعده وحدت صلاحیت

در سال ۱۹۹۰ کمیته نظارت سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^{۷۰} در مورد کنوانسیون پاریس پیشنهاد نمود که کشورهای عضو کنوانسیون باید دادگاه واحدی را جهت رسیدگی به دعاوی غرامت خسارت اتمی ناشی از یک حادثه هسته‌ای تعیین نماید، معیار این تعیین باید به وسیله قانون ملی چنین کشوری مشخص شود.^{۷۱}

مقرره مذکور پس از اصلاحات کنوانسیون وین در پاراگراف جدیدی که به ماده ۱۱ افزوده شد، به این صورت تصریح گردید: «کشوری که دادگاه‌هایش صالح هستند، موظف است از میان آن محاکم، دادگاه واحدی تعیین نماید که دعاوی جبران خسارت راجع به یک حادثه در آن، رسیدگی شود.»^{۷۲}

هدف از معرفی قاعده وحدت صلاحیت این است که بدون نیاز به اتخاذ تصمیم در خصوص اختلاف و تعارض میان دادگاه‌های صالح، دعاوی جبران خسارت هسته‌ای، به دادگاه واحدی ارجاع گردد و نیز به دولت‌ها اجازه داده شود دادگاهی را که قادر است با تعداد کثیری از دعاوی سروکار داشته باشد را به عنوان دادگاه واحد صالح انتخاب نمایند. چنانکه دولت بلژیک دادگاه بدوی بروکسل را به عنوان محکمه واحد صالح برگزید اگرچه که محدوده جغرافیایی دادگاه مزبور فاقد هرگونه تأسیسات اتمی می‌باشد لیکن از بهترین منابع استدلالی و منطقی برخوردار بوده و قادر به استماع دعاوی به هر دو زبان اصلی کشور بلژیک است.^{۷۳}

تمرکز دادرسی در یک دادگاه واحد فواید انکارناپذیری برای زیان‌دیدگان حوادث اتمی به عنوان خواهان و بهره‌بردار تأسیسات اتمی به عنوان خواننده دعاوی جبران خسارت هسته‌ای در پی دارد. مهم‌ترین این فواید عبارت است از اینکه در نتیجه گزینش دادگاه واحد کلیه احکام و آرای صادره مبتنی بر محکومیت بهره‌بردار با هم جمع شده‌اند. لذا

Convention on Supplementary Compensation Article 6(1): "With respect to a nuclear incident during carriage, the maximum of liability of the operator shall be governed by the national law of the installation State."^{۷۰}

۷۰. کمیته نظارتی (The Steering Committee) عبارت است از یک ارگان مسؤول که بر مبنای اساسنامه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و آژانس انرژی اتمی، وظیفه انجام تکالیف و وظایف آژانس انرژی اتمی را عهده‌دار است و از جمله مهم‌ترین تکالیف و تعهدات کمیته مزبور تسلیم توصیه‌نامه‌ها یا قوانین عادی به کشورهای شرکت‌کننده، به منظور ایجاد اصول اساسی برای هماهنگ‌سازی قواعد و مقررات داخلی کشورها می‌باشد.

71. Phillippe Sonds & Paolo Galizzi, *op. cit.*, p. 9.

72. V.C Article XL (4): "The Contracting Party whose courts have jurisdiction shall ensure that only one of its courts shall have jurisdiction in relation to any one nuclear incident."

73. Dussart Desart, *op. cit.*, p. 24.

مسئولیت وی و مبالغی که باید به قربانیان حوادث هسته‌ای تأدیه نماید از سقف^{۷۴} مقرر در کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای^{۷۵} تجاوز نخواهد کرد. همچنین وجود دادگاه‌های صالح مختلف و متعدد که خواهان را ملزم می‌نماید که در جلسات دادرسی دادگاه‌های مختلف شرکت نمایند، مستلزم صرف وقت زیاد و در بر دارنده هزینه‌های سنگین برای آنان خواهد بود.^{۷۶}

تعدد دادگاه‌های صالح این احتمال و فرضیه را تقویت می‌نماید که ممکن است قربانیان حوادث اتمی، دعوای جبران خسارت را در محکمه‌ای اقامه کنند که رفتار مساعدتری با آنان خواهد داشت لیکن جستجوی مساعدترین دادگاه^{۷۷}، هزینه‌های سنگین و نامتعارفی را بر بهره‌بردار تحمیل می‌نماید. زیرا دادگاه مزبور به صدور آرائی مبنی بر دریافت غرامت بیشتر به سودخواهان، اقدام خواهد کرد و این امر منتهی بر اتمام سریع منابع مالی نظیر صندوق تأمین خسارت بین‌المللی می‌گردد. در حالی که متصدی می‌توانست با تقسیم منابع یاد شده، میان سایر زیان‌دیدگان، درصد بیشتری از خسارات را جبران نماید.^{۷۸}

بدین ترتیب تعیین دادگاه واحد از ناحیه کشوری که محاکم آن واجد صلاحیت شناخته شده‌اند از هدر رفتن منابع مالی و تحمیل مسئولیت بیش از میزان محدودیت بر بهره‌بردار جلوگیری خواهد کرد.

دولی که به تدوین قانون ملی اتمی مبادرت ورزیده‌اند در عین تمایل به اجرای اصل وحدت صلاحیت، طریق واحدی را در خصوص تعیین دادگاه صالح در پیش نگرفته‌اند^{۷۹} چنانکه قانون‌گذار سوئیس در قانون مسئولیت اتمی شخص ثالث (۱۹۸۳) ضمن تصریح بر ضرورت تعیین محکمه‌ای واحد برای رسیدگی به دعوای مربوط به خسارت هسته‌ای در هر کانتون (بخش) مقرر می‌دارد چنانچه خسارت از یک حادثه در تأسیسات اتمی نشأت گرفته باشد، دادگاه کانتون مقر تأسیسات مزبور، واجد صلاحیت قضائی جهت رسیدگی به دعوای مسئولیت مدنی خواهد بود و زمانی که خسارت در جریان حمل مواد اتمی حادث شود، صلاحیت قضائی به دادگاه کانتونی که حادثه موجد خسارت در آن به وقوع پیوسته

۷۴. در کنوانسیون‌های بین‌المللی برای مسئولیت مدنی ناشی از حوادث اتمی سقف خاصی در نظر گرفته شده و متصدی به طور نامحدودی مسئولیت ندارد.

75. <http://www.senat.fr/rap/102-004/102-0040.html>

۷۶. ربیعا اسکینی، مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل، تهران، نشر دانش‌آموز، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۲۵۶.

۷۷. منظور از اصطلاح مساعدترین دادگاه یا forum shopping شیوه‌ای است که بعضی از طرفین، دعوای خود را در دادگاهی اقامه می‌کنند که احتمالاً رأی مساعدتری صادر خواهند نمود.

78. Stoiber et al., *op. cit.*, p. 115.

۷۹. ربیعا اسکینی، پیشین، ص ۲۵۷.

اعطا می‌گردد و چنانچه تعیین محل وقوع حادثه ممکن نباشد باید میان دو فرض قائل به تفکیک شد: در فرضی که بهره‌بردار تأسیسات اتمی مسؤول تدارک زیان‌های وارده باشد دادگاه کانتون مقر تأسیسات مزبور و در فرضی که دارنده پروانه حمل مواد اتمی مسؤول شناخته شود، دادگاه محل سکونت یا اقامتگاه وی، واجد صلاحیت خواهد بود.^{۸۰}

در پاره‌ای موارد اختیار تعیین دادگاه صالح به قربانی حادثه اتمی اعطا شده است لیکن انتخاب محدود به مواردی است که مقنن پیش‌بینی نموده است. چنانکه قانون‌گذار اکرین^{۸۱} مقرر می‌دارد: «دعاوی برای جبران خسارت هسته‌ای ممکن است به دادگاه واقع در اوکرین و در محل سکونت خواهان یا دادگاه محل سکونت خواننده و یا در دادگاه محلی که خسارت وارد شده تسلیم گردد.»

۴- قانون قابل اعمال

۴-۱- تعیین قانون قابل اعمال بر مبنای کنوانسیون‌های بین‌المللی مسؤولیت مدنی

هسته‌ای

در فرضی که یک حادثه اتمی در کشوری که عضو کنوانسیون پاریس است (مانند انگلستان) به وقوع بپیوندد و منجر به بروز صدمه و خسارت در یکی از کشورهای عضو کنوانسیون مزبور (مانند فرانسه) گردد، دادگاه صالح در دول مزبور، مقررات کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس را به عنوان قانون مصوب در نظام حقوقی‌شان، بدون تبعیض میان اعضای کنوانسیون اعمال می‌نماید. لیکن بر مبنای بند دوم ماده ۱۴ کنوانسیون نام برده نسبت به تمام موضوعات شکلی و ماهوی که تحت حاکمیت مقررات کنوانسیون پاریس نمی‌باشند، دادگاه صالح باید به اجرای قانون ملی خود مبادرت ورزد.^{۸۲}

مراد تدوین‌کنندگان کنوانسیون پاریس از قانون داخلی، مقررات ملی دادگاهی است که به موجب این کنوانسیون صلاحیت قانونی جهت رسیدگی به دعاوی ناشی از حادثه هسته‌ای را دارد و قانون مزبور نسبت به همه موضوعات شکلی و ماهوی که به طور خاص

80. Section 24: "1- If damage is caused by a nuclear installation, the court of the Canton in which the nuclear installation is situated have jurisdiction"

80. If damage is caused during the carriage of occurrence causing the damage took place. If the place of the occurrence cannot be determined, the competent court shall be:

a) Where the operator of a nuclear installation is liable, the court of the canton in which the nuclear installation is situated;

b) Where the holder of a transport license, the court of the canton in which the holder of the transport license reii deo or hae elected doii cile."

81. Law on Civil Liability for Nuclear Damage and its Financial Security (2001) Article 5(4): "Claiss for compensation for nuclear damage may be submitted to a court of Ukraine at the location (place of reidence) of the claimnn t of the defendant or at the place the daggg e wac caued."

82. Peter John Cameron, *Nuclear Energy Law after Chernobyl*, (International Bar Association Series), London, Kluwer Law International, First Edition, 1988, p. 125.

تابع کنوانسیون پاریس نیستند، بدون هرگونه تبعیض بر مبنای تابعیت، اقامتگاه و محل سکونت قربانیان، اجرا می‌گردد.^{۸۳} مطالب فوق‌الذکر در ماده ۱۳ کنوانسیون وین نیز انعکاس یافته است.

کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی نیز با مضامین یاد شده موافق بوده و مقرر می‌دارد که قانون حاکم بر دعاوی مربوط به حوادث اتمی، قانون دادگاه کشور عضو است که از صلاحیت قضائی برخوردار است.^{۸۴} لذا در فرضی که حادثه هسته‌ای در جریان حمل و نقل مواد اتمی در سرزمین یا دریای سرزمینی یا منطقه‌ای انحصاری اقتصادی کشور عضو به وقوع می‌پیوندد قانون قابل اجرا قانون دادگاه کشور محل وقوع حادثه می‌باشد نه قانون دادگاه دولت مقرر تأسیسات اتمی.^{۸۵}

در خصوص موضوع شناسایی قانون حاکم، نتیجه‌ای که از پروتکل مشترک مربوط به اعمال کنوانسیون وین و کنوانسیون پاریس (۱۹۸۸) استنتاج می‌شود متفاوت از قاعده صریح مندرج در کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی می‌باشد. زیرا پروتکل مشترک مقرر می‌دارد که کنوانسیون قابل اعمال همیشه کنوانسیونی است که دولت مقرر تأسیسات اتمی به آن پایبند و متعهد است و با عنایت به اینکه پروتکل مذکور صراحتاً قانون قابل اعمال را معرفی نمی‌کند، می‌توان اینگونه استنباط نمود که از دیدگاه تدوین‌کنندگان پروتکل مشترک، قانون حاکم، قانون دولت مقرر تأسیسات اتمی است که از کنوانسیون قابل اعمال اقتباس شده است. لذا در فرضی که قانون کشور واجد صلاحیت قضائی از کنوانسیون مزبور اقتباس نشده است نمی‌توان آن را به عنوان قانون حاکم بر دعوا معرفی نمود. این مسأله و مسائل مرتبط با آن تا مدت‌ها موضوع بحث‌های قابل ملاحظه بوده است لیکن تا زمان تصویب ماده ۱۴ کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی راه‌حل قطعی و صریحی ارائه نشده است. بنابراین بر مبنای قاعده صریح مندرج در کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی قانون قابل اعمال عبارت است از قانون دادگاه صالح و مراد از دادگاه صالح دادگاه دولت محل وقوع حادثه هسته‌ای می‌باشد در حالی که از مفاد پروتکل مشترک اینگونه استنتاج می‌شود که قانون دولت مقرر تأسیسات اتمی به عنوان قانون حاکم بر دعاوی مسئولیت مدنی هسته‌ای پذیرفته شده است نظر به پذیرش قاعده. یاد شده در کنوانسیون‌های پاریس،

83. P.C Article 14 (b)(c): "National law and national legislation ee an the notional law or the national legislation of the court having jurisdiction under this Convention over claims arising out of a nuclear incident, and that law or legislation shall apply to all matters both substantive and procedural not specifically governed by this Convention.

c. That law and legislation shall be applied without any discrimination based upon nationality, domicile or residence"

84. C.S.C Article XIV (2): "Subject to the proviii on., of this Convention, the Vienna Convention or the Paris Convention, as appropriate, the applicable law hll be the law of the copp etent court."

85. Bn McRae, The Convention Supplementary Compensation for Nuclear Damage: Catalys for a Global Nuclear Liability Regy", *Nuclear Law Bulletin*, 2007, No. 79, p. 32.

وین و جبران خسارت تکمیلی این پرسش به ذهن متبادل می‌گردد که آیا دادگاه صالح صرفاً قانون ملی خود را اجرا می‌نماید یا مجاز است دعوای جبران خسارت هسته‌ای را به قانون دولت دیگری احاله نماید.

چنانکه پیش از این اشاره شد بر مبنای کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای قانون دادگاه صالح عبارت است از قانون دادگاهی که بر مبنای کنوانسیون‌های نام برده از صلاحیت قضائی برخوردار است که از آن جمله می‌توان به مقررات مربوط به تعارض قوانین نیز اشاره نمود. لذا در فرضی که دادگاه صالح قواعد مربوط به تعارض قوانین را اعمال می‌کند ممکن است قانون ماهوی کشور دیگری را به عنوان قانون ماهوی قابل اجرا تعیین نماید. این در حالی است که بسیاری از مقررات مندرج در کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی و همچنین کنوانسیون‌های پاریس و وین صراحتاً دادگاه صالح را به سمت اعمال قانون ماهوی خویش یا قانون ماهوی دولت مقرر تأسیسات هسته‌ای رهنمون می‌کند، لذا نتایج حاصل از اجرای این مسیر و رهنمون نسبت به نتایج مختلفی که از اجرای قواعد حل تعارض قوانین دادگاه صالح حاصل می‌شود اولویت دارد. قواعد مربوط به تعارض قوانین از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، به نحوی که در نتیجه اعمال قواعد مزبور ممکن است قانون کشور محل وقوع حادثه اتمی یا قانون کشور محل ورود خسارت یا قانون کشور محل اقامت مقصر به عنوان قانون ماهوی قابل اعمال معرفی شود. بنابراین مقررات کنوانسیون‌های بین‌المللی دادگاه صالح را به سمت قطعیت و یقین بیشتری هدایت می‌کند. زیرا دادگاه را مخیر می‌نمایند که از میان قانون ماهوی خود و قانون ماهوی کشور مقرر تأسیسات هسته‌ای یکی را به عنوان قانون حاکم بر دعوا برگزیند.^{۸۶}

۴-۲- تعیین قانون قابل اعمال بر مبنای کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی

هسته‌ای

در حقوق ایران مقرره‌ای در این زمینه نیست ولی می‌توان با توجه به اصول کلی حقوقی قائل به این امر شد که اصل بر سرزمینی بودن حقوق بوده و طبق ماده ۵ قانون مدنی دعوای جبران خسارت تابع قانون ایران خواهد بود.

نتیجه‌گیری

تدوین قواعد مربوط به جبران خسارت در کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای که

86. Ben McRae, "The Convention Supplementary Compensation for Nuclear Damage: Catalys for a Global Nuclear Liability Regy", *Nuclear Law Bulletin*, 2007, No. 79, p. 33.

در رأس آنها باید به کنوانسیون پاریس و وین اشاره نمود، فواید انکارناپذیری برای بهره‌بردار تأسیسات اتمی به عنوان خواننده و قربانیان حادثه هسته‌ای به عنوان خواهان دعوای جبران خسارت اتمی در پی دارد. زیرا از یک سو با تفکیک میان زیان‌های مالی و فوت و صدمات جسمی برای اقامه دعوای جبران خسارت جسمی، مرور زمان ۳۰ ساله و برای سایر اقسام خسارت مرور زمان ۱۰ ساله را اعمال می‌نمایند و به این ترتیب از میزان مسئولیت بهره‌بردار و ضامن‌های مالی وی می‌کاهند و از سوی دیگر با پذیرش اقامه دعوای جبران خسارت هسته‌ای از ناحیه دولت متبوع یا دولت محل اقامت یا سکونت قربانی به نمایندگی از طرف وی از تضييع حقوق قربانیان جلوگیری می‌نماید. همچنین کنوانسیون‌های نامبرده با متمرکز نمودن دعوای ناشی از حوادث اتمی در صلاحیت دادگاه‌های یک کشور واحد که عبارت است از کشور محل وقوع حادثه هسته‌ای از خطر تعارض صلاحیت در خصوص یک موضوع واحد جلوگیری می‌کند. حتی تدوین‌کنندگان کنوانسیون‌های مسئولیت هسته‌ای پا را از این حد فراتر نهاده و با اعمال قاعده وحدت صلاحیت، قانون‌گذار داخلی را مجاز می‌دارند که دادگاه واحدی را از میان دادگاه‌های واجد صلاحیت در کشور محل وقوع حادثه تعیین نماید و به این ترتیب خواهان دعوای مطالبه غرامت از دشواری‌های مربوط به مواجهه با زبان بیگانه و تحمل هزینه‌های سنگین و سپری نمودن مسافت‌های طولانی رهایی می‌یابد. در حقوق ایران مقررات مدونی در این باب کمتر به چشم می‌خورد و مقنن می‌تواند برای ارتقای ادبیات حقوقی در زمینه مسئولیت مدنی ناشی از حوادث اتمی مقرراتی را در جهت تأمین منافع بهره‌بردار تأسیسات اتمی و زیان دیدگان این حوادث تصویب نماید.

فهرست منابع

فارسی

- اسکنی، ربیعا، مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل، تهران، نشر دانش آموز، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- جعفری، فیض الله، حوادث اتمی و اصول مسئولیت مدنی، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۷، شماره ۱۳.
- چرچیل، رابین و آلن لو، حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۳.
- حسنی، سید عباس و مرضیه فتحی، آمادگی و پاسخ مراکز درمانی در حوادث پرتوی، تهران، نشر سیمین، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- شمس، عبدالله، آئین دادرسی مدنی، ج ۱، تهران، انتشارات دراک، چاپ ۱۲، ۱۳۸۸.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۱.

لور راسا، میشل، **مسئولیت مدنی**، محمد اشتری، تهران، نشر حقوقدان، چاپ اول، ۱۳۷۵.
 متین دفتری، احمد، **آئین دادرسی مدنی و بازرگانی**، ج ۱، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم،
 ۱۳۸۱
 محقق منتظری، لیلا، «مسئولیت مدنی خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای در معاهدات بین‌المللی و
 مقررات داخلی دولت‌ها»، **ماهنامه حقوق دادرسی**، ۱۳۸۳، ش ۴۶.
 مقتدر، هوشنگ، **حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه،
 چاپ ششم، ۱۳۸۱

- انگلیسی

Cameron, Peter John, *Nuclear Energy Law after Chernobyl (International Bar Association Series)*, London, Kluwer Law International, First Edition, 1988.
 Dussart Desart, Roland, "The Reform of the Paris Convention on Third Party Liability in the field of Nuclear Energy and of the Brussels Supplementary Convention an overview of the Main Features of the Modernization of the Two Convention", *Nuclear Law Bulletin*, 2005, No. 75.
 Lamm, Vanda, "The Pooocool Amendrnng hle Vnnma oo nveniion", *Nuclear Law Bulletin*, 1998, No. 61.
 McRae, Ben, "The Compensation Convention: Path to a Global Regime for Dealing with Legal Liability and Compensation for Nuclear Damage", *Nuclear Law Bulletin*, 1998, No. 61.
 McRae, Ben, "The Convention Supplementary Compensation for Nuclear Damage: Cataly for a Global Nuclear Liability Regime", *Nuclear Law Bulletin*, 2007, No. 79.
 Pelzer, Norbert, "On Modernizing the Paris Convention. Reasons for Revising the Paris Convention and bb ccäive", *Nuclear Law Bulletin*, 1973, No. 12.
 Schwartz, Julia A., "International Nuclear Third Party Liability Law: The Response to hh ennbym", *International Nuclear Law in the Post_ Chernobyl Period*, 2006.
 Sonds, Phillip & Paooogaiizz,, "The 1968 uuussess oo nveniion and Liability for Nuclear Damage", *Nuclear Law Bulletin*, 1999, No. 64.
 Stoiber, Carlton & Alec Baer & Norbert Pelzer & Wolfram Tonhauser, *Handbook on Nuclear Law*, Vienna, International Atomic Energy Agency, First Edition, 2003.

- فرانسه

Mazeaud, Henri & Leon Mazeaud & Jean Mazeaud, *Leçons de Droit Civil, Obligations*, T. 2, Monntchrestien, 6^e éd., 1978.
 Viney, Geneviève & Patrice Jourdain, *Traité de Droit Civil. Les Conditions de la responsabilité*, Librairie générale de droit et de jurisprudence, 2^e éd, 1998.
 Viney, Geneviève, *Traité de Droit Civil. Introduction a la responsabilité*, Librairie générale de droit et de jurisprudence, 2^e éd, 1995.
 Weill, Alex & Francois Terré, *Droit Civil Les obligations*, Dalloz, 2^e éd, 1975.
http://fr.wikipedia.org/wiki/Accident_nucl%C3%A9aire
<http://parlement-ue2008.fr/rap/105-327/105-3270.html>
<http://www.senat.fr/rap/102-004/102-0040.html>
<http://www.senat.fr/rap/102-004/102-0040.html>

Some Considerations on the Compensation for the Nuclear Damages Based on International Conventions of Nuclear Civil Liability

Alireza Yazdanian (Ph. D.) & Hedieh Habibian

The development of industry and technology is considered as effective factors to evolve law of civil liability. The nuclear technology has played a significant role in this way, so the nuclear accidents in recent century and the potential risk for using radioactive materials, has encouraged the governments and international societies to set up devices in order to prevent happening these events and enact procedural rules for bringing an action of compensating resulting from such damages which leads to organize international conventions of nuclear liability. On the one hand, the mentioned conventions have facilitated prosecution of the defendant for compensating nuclear damages by introducing some principles such as the strict liability principle and channeling of liability to operator principle, and on the other hand, they have predicted the 10-year and 30- year prescriptions for claims of compensation by making distinction between physical damages due to nuclear incidents and other kinds of damages. Equivalent to those regulations, the codifiers of international conventions of nuclear liability have played a significant role to accelerate legal procedures of such claims by determining the principle of exclusive jurisdiction of local court of nuclear event and by applying rule of competence unity and also presenting the law of competent court as a applicable law on claims.

Keywords: Claim for Compensating for Nuclear Damage, Operator of Nuclear Installations, Prescription (Laps of Time), The Principle of Exclusive Jurisdiction, Applicable Law

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. X, No. 1

2011-1

Articles

- ICC Arbitration Rules on Multiple Parties and Multiple Contracts
- The Concept and the Causes of Divorce in the Legal System of Iran and English Law
- Some Considerations on the Compensation for the Nuclear Damages Based on International Conventions of Nuclear Civil Liability
- The Protection of Traditional Medicine in *Quran* and Islamic Jurisprudence
- Individual and Social Rights in the Criminal Procedures: Some Challenges
- The Concept of Representations in the First Assembly (*Mashruteh*)

Special Issue: 105 Years of Legislation Experience in Iran

- The Protection of the Principle of Transparency by Constitutional Courts
- Law Approach Challenges: Law Validity and Law Reliability
- The Relationship between Rule of Law and Religious Law in *Mashruteh* Legal System
- The Place of Simile in the Process of Codification of Law
- A Brief Study on the Theoretical Foundations of Experimental Legislation
- The Approach of Legislation in Electronic Contracts
- Measuring the Strength of Iran's Patent Rights by Focusing on Iranian Patent Act 2008

Critique and Presentation

- On the Title of Criminal Law
- An Analysis of Judgment of the European Court of Justice in Case of *Fulmen* and *Mahmoudian*: When the Dream of Judicial Review of UN Sanctions Comes True

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study